

پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹



10.22059/jis.2020.275263.635

Online ISSN: 2676-4601-Print ISSN: 2252-0643

jis.ut.ac.ir

The Position and Features of Forsat-od-Dowleh Shirazi's Historiography in *The Works of Ajam*

Mohammad Keshavarz Beyzai¹

Ph.D. Graduate in Iran of History, University of Tabriz, Iran.

Reza Moeini Roodbali

Assistant Professor Training Islamic Theology and Education Farhangian University

Received: March 17, 2019; Accepted: July 6, 2019

Forsat-od-Dowleh Shirazi, a historian, scholar, poet, painter, musician and modernist artist, wrote *The Works of Ajam* at the end of the Qajar dynasty. He employed so many of the principles of modern historiography in his book. This research concentrates on the method and insight of Forsat-od-Dowleh Shirazi in his historiography. The article demonstrates that he was familiar with the principles of the knowledge of modern historiography and observed them in his book. These principles include analysis of events, teamwork, knowledge of ancient scripts, and simplicity in writing style. The article argues that although the author followed some traditional principles of historiography, such as quoting Arabic and Persian poems, he provided a model for modernist historiography in Iran.

Keywords: Forsat-od-Dowleh Shirazi, Method, Insight, Regional history, The Works of Ajam.

1. Email of the corresponding author: mbeyzai@yahoo.com

بینش و روش در تاریخ‌نگاری فرصت‌الدوله شیرازی

محمد کشاورز بیضایی^۱

دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز، ایران.

رضا معینی رودبالی

استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله ۹۸/۴/۱۵

(از ص ۱۸۹ تا ص ۲۱۰)

چکیده

تاریخ آثارعجم اثر فرصت‌الدوله شیرازی، مورخ، ادیب، شاعر، نقاش، موسیقیدان و دانشمند برجسته و نوگرایی او در دوره قاجار است که نویسنده در تدوین آن از بسیاری اصول نوین دانش تاریخ بهره برده است. این جستار با روشی توصیفی - روایی و تحلیلی، بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری فرصت‌الدوله شیرازی را در کانون توجه خود قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که فرصت در دو حوزه بینش و روش، به مبانی و ویژگی‌های تاریخ‌نگاری علمی و نوین واقف بوده و به رعایت آن در آثارعجم همت گماشته است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: روش کاربست تحلیل در ریشه‌یابی علی پدیده‌ها و رویدادها، استعانت از کار گروهی، بهره‌گیری از علوم و منابع جدید، روش میدانی و مشاهده‌ای و به‌کارگیری نقشه، جغرافیا، ریاضی، نقاشی و اندازه‌گیری در امر تحقیق، توجه به دانش خطوط باستانی، پیشینه شهرها، اماکن و بناهای تاریخی، اجتناب از رویدادنگاری، مشیت‌گرایی، تعصب و زودباوری و به‌کارگیری سبک و نثری ساده. همچنین حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که نویسنده با وجود وفاداری به برخی شاخصه‌های تاریخ‌نگاری سنتی، چون: استعمال اشعار عربی و فارسی در جای‌جای متن کتاب، از حیث توجه به اصول علمی تاریخ‌نگاری، طرحی نو در انداخته و تاریخی نوگرا در عرصه تاریخ‌نگاری محلی ایران به رشته تحریر درآورده است.

واژه‌های کلیدی: فرصت‌الدوله شیرازی، روش، بینش، تاریخ‌نگاری محلی، آثارعجم.

مقدمه

تاریخ‌نگاری محلی یکی از شاخه‌های مهم تاریخ‌نگاری ایرانی و از منابع ارزشمند و ارزنده در شناخت تاریخ ایران به شمار می‌رود. ایالت فارس، از ایالاتی است که تواریخ محلی مهم و متعددی را خصوصاً در دوره قاجار در تاریخ‌نگاری ایرانی عرضه نموده است. در دوره ناصری، تاریخ‌نگاری فارس با توجه به موقعیت مهم و مناسب آن از رونق قابل‌توجهی برخوردار گردید و تاریخ‌نگاران محلی بزرگی چون: میرزا حسن فسایی، میرزا جعفرخان خورموجی و فرصت‌الدوله شیرازی پا به عرصه ظهور گذاشتند. علاقه به خاک و وطن، مفاخرت محلی و منطقه‌ای در کنار تحریض و تشویق زمامداران و حاکمان محلی در رشد و

تدوین تواریخ محلی، تأثیر قابل توجهی داشته است (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۸۴؛ قدیمی‌قیداری، ۱۳۹۲: ۱۳۹۶: ۲۱۰-۲۰۹؛ قنوت، ۱۳۹۳: ۳۵۲). افزون بر این، تنظیم و گردآوری اطلاعات مربوط به شهرها و ایالات نیز در کیفیت جمع‌آوری مالیات و آگاهی مرکز از توانمندی‌های اقتصادی یک ایالت، در رشد این‌گونه تاریخ‌نگاری تأثیر بسزایی داشته است. تاریخ‌نگاری محلی به نوعی به مثابه شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات و داده‌های گسترده‌ای درباره کیفیت و چگونگی پیدایش شهرها، اعیان، رجال سیاسی و فرهنگی، عمارات و ابنیه‌ها، مزارات و ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی به دست می‌دهد (آژند، ۱۳۸۰: ۲۸۳). تاریخ‌نگاری محلی فارس، آشکارا از مسائل و رویدادهای سیاسی و نظامی دوری ورزید و غالباً به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی فارس پرداخت (رحیملو و سالاری‌شادی، ۱۳۸۴: ۲).

تاریخ عجم اثر فرصت‌الدوله شیرازی از زمره تواریخ محلی فارس به شمار می‌رود که از حیث رویکرد و اقبال فرصت به شیوه‌های نوین تاریخ‌نگاری، از جایگاه درخور و ممتازی برخوردار شده است. این کتاب دربردارنده اطلاعاتی درباره وضعیت جغرافیایی و آثار و بناهای تاریخی ایالت فارس و همچنین مطالب و موضوعات گوناگون درباره شاهان و حاکمان، اعیان، رجال، شاعران، هنرمندان و دانشمندان فارس و برخی از باورها و اطلاعاتی درباره دیگر نقاط ایران است. این اثر که یکی از مهم‌ترین و مشهورترین آثار فرصت به شمار می‌رود؛ چه در زمان حیات نویسنده و چه بعد از آن از اقبال قابل توجهی در نزد اهل علم و ادب برخوردار گردیده است؛ بنابراین شناخت بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری آن، می‌تواند اهمیت و جایگاه تاریخ‌نگاری فرصت و سهم وی، در تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی را، روشن نماید.

آنچه در خصوص پیشینه پژوهش حاضر شایان ذکر بوده این است که: درباره تاریخ‌نگاری ایران اسلامی به طور عام و دوره قاجار به طور خاص، پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته که برخی از آنان به تواریخ محلی ایرانی و اسلامی و همچنین تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس نیز پرداخته‌اند. از جمله: فرانتس روزنتال در بخش پنجم کتاب خود «تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام» جامع‌ترین بحث را درباره تاریخ‌نگاری محلی در قلمرو اسلام صورت داده و به انگیزه‌های تألیف این دسته از تواریخ پرداخته است. عبدالرحیم قنوت در کتاب «تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی» به تواریخ محلی ایرانی، مصادیق و ویژگی‌های آن تا قرن هفتم ه.ق. پرداخته است. یعقوب آژند در بخشی از کتابش با عنوان «تاریخ‌نگاری

در *ایران*» به شکلی اجمالی به تواریخ محلی ایران از جمله *تاریخ عجم* پرداخته است. عباس قدیمی‌قیداری در کتاب «*تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*» در ضمن پرداختن به تاریخ‌نگاری دوره قاجار، به تاریخ‌نگاری محلی فارس نیز توجه نشان داده و به غیر از آثار *عجم*، آثار دیگر نظیر *فارسنامه* ناصری حسینی فسایی و *نزهة‌الآخبار خورموجی* را مورد بررسی قرار داده است. آثار تحقیقی دیگر نیز تنها به معرفی پاره‌ای از ویژگی‌ها و کارکردهای تاریخی *آثار عجم* پرداخته‌اند؛^۱ اما به شکلی جامع و مستقل به روش و بینش حاکم بر این اثر نپرداخته‌اند. از این رو این جستار با توجه به جایگاه مهم تاریخ‌نگاری فرصت‌الدوله، درصدد است بینش و روش تاریخ‌نگاری وی را روشن نماید. سؤالاتی که این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به آن برآمده این است فرصت‌الدوله شیرازی با چه روش و بینشی به تصنیف *آثار عجم* پرداخته است؟

به نظر می‌رسد فرصت از حیث بینش و روش تا اندازه‌ی زیادی به مبانی و اصول تاریخ‌نگاری نوین آگاهی و آشنایی داشته و در ضمن بهره‌گیری از برخی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی، عناصر و ویژگی‌های آن را در تاریخ‌نگاری خود وارد نموده است. به کارگیری روش تحلیل در علت‌یابی رویدادها، استعانت از روش گروهی و میدانی و استفاده از ابزارهای نوین در امر تحقیق، نثر ساده و روان، دوری از تعصب و زودباوری، پرهیز از وقایع‌نگاری، از جمله مبانی و ویژگی‌های تاریخ‌نگاری وی در بعد روش و بینش به شمار می‌روند.

۱. نگاهی اجمالی به حیات سیاسی و اجتماعی فرصت‌الدوله شیرازی

میرزا محمد نصیرالحسینی شیرازی، متخلص به «فرصت»، ملقب به «میرزا آقا» و «میرزای فرصت»، مشهور به «فرصت شیرازی» و معروف به «فرصت‌الدوله»، در ماه صفرالمظفر سال ۱۲۷۱ هـ.ق. / اکتبر ۱۸۵۴ م. در شیراز چشم به جهان گشود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۵: مقدمه، ۱۹). وی تحصیلات خود را در مکتب و محضر بزرگانی چون: شیخ مفید، آقا میرزا ابوالحسن دستغیب و سید جمال‌الدین اسدآبادی در رشته‌ها و فنون مختلف، به انجام رسانید. وی زمانی که بیش از یازده سال نداشت؛ پیش از اینکه به شعر علاقه‌مند شود توسط پدرش با هنر نقاشی آشنا شده بود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۹؛ شعاع‌الملک شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۸۷). فرصت در نقاشی سیاه قلم تبخّر بالایی داشته و از سبک و اسلوبی ویژه برخوردار بوده است، در عین اینکه در نقاشی گل و مرغ و تک‌چهره دست داشته و گاهی اوقات قلمدان‌نگاری می‌کرده است (پاکباز، ۱۳۶۸: ۳۷۰). فرصت همچنین افزون بر اینکه در «انجمن ادبی داور» شرکت

می‌کرده است خود نیز با شاعرانی نظیر شعاع، ایزدی، فصیحی، انجمن ادبی «فرصت» را تشکیل داده و به تدریس مباحث ادبی و شعری پرداخته است (امداد، ۱۳۷۲: ۲۳۳). از جمله شاگردان فرصت می‌توان به کسانی چون: شعاع‌السلطنه فرزند مظفرالدین‌شاه، نجفقلی میرزا نوه عباس‌میرزا، روح‌الله خالقی استاد موسیقی و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل شیرازی مدیر روزنامه *صوراسرافیل* اشاره نمود. اشراف و تسلط وی بر فنون و شعر ادب به گونه‌ای بوده که نجفقلی میرزا نویسنده کتاب «دُرّه نجفی» تحریر کتابش را مدیون کسب فیض در محضر فرصت دانسته است (نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲: ۴).

فرصت از زمره نخبگان، مورخان و هنرمندانی است که بخش‌هایی از عمر خود را در سفر، مهاجرت و اقامت در داخل و همچنین خارج از کشور سپری نمود و در بنیان فرهنگ نوین ایران نقش قابل‌درنگی ایفا نمود. وی به سفر و عزیمت، علاقه فراوان داشت و چه برای تفریح و چه به قصد انجام مأموریت‌های اداری به بخش‌های وسیعی از ایران، عراق و هند سفر کرد و در برخی از شهرها برای مدتی اقامت گزید. نخستین سفر فرصت در سن ۲۳ سالگی وی و به قصد اجرای درخواست معتمدالدوله به سال ۱۲۹۳ ه.ق. ۱۸۷۹ م. صورت گرفت. او در این سفر به قلعه «بتر» رفت. سفر بعدی وی به سال ۱۳۰۳ ه.ق. ۱۸۸۵ م. بود که به اتفاق برادر خود به عتبات عالیات رفت. در سال ۱۳۰۷ ه.ق. ۱۸۸۹ م. نیز به سرکشی نواحی مختلف فارس پرداخت و نقشه‌هایی را که در «آثارعجم» آمده است، فراهم آورد. در سال ۱۳۱۱ ه.ق. ۱۸۹۳ م، به خواهش حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه رهسپار بخش‌های دیگری از فارس همچون: تخت جمشید، کازرون، شاپور، بهبهان و ممسنی شد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۱).

فرصت در سال ۱۳۲۱ ه.ق. ۱۹۰۳ م. به هندوستان رفت و پس از نزدیک به یک سال اقامت در هندوستان به درخواست شعاع‌السلطنه، والی فارس به شیراز بازگشت و متعاقب آن در سال ۱۳۲۳ ه.ق. ۱۹۰۵ م. بنا بر خواست همین شاهزاده به تهران رهسپار شد و به مدت پنج سال از زندگانی خود را در پایتخت قاجارها سپری نمود. فرصت در طی مدت اقامت خود در تهران، علاوه بر تعلیم و تربیت میرزا شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدین‌شاه، تلمذ و علم‌آموزی در نزد عالمان و فضیلا پایتخت، بسیاری از حوادث و رویدادهای مشروطیت ایران را از نزدیک لمس و مشاهده کرد و گزارش‌های آن را که مربوط به سال‌های (۱۳۲۳-۱۳۲۶ ه.ق. ۱۹۰۵-۱۹۰۸ م.) بود ضبط و ثبت نمود. در همین زمان وی از مظفرالدین‌شاه قاجار لقب «فرصت‌الدوله» گرفت و فرمانی دریافت داشت. او به سال ۱۳۲۶ ه.ق. ۱۹۰۸ م. به شیراز بازگشت و به ریاست معارف شیراز رسید. در زمان ریاست وی

تعداد زیادی مدرسه در شیراز احداث گردید که وی بانی آن‌ها محسوب می‌شود (فرصت-الدوله شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۲). فرصت همچنین با مساعدت‌ها و تشویق‌های مخبرالسلطنه هدایت «روزنامه فارس» را انتشار داد (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۸۶؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۴: ۶۰). در سال ۱۳۳۴ ه.ق./۱۹۱۵ م. به پاس خدمات فرصت یک قطعه نشان طلای علمی با دستخطی از مرکز به وی اهدا شد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۶۸). فرصت در سال ۱۳۳۹ ه.ق./۱۹۲۰ م. بر اثر عارضه زخم معده چشم از جهان فرو بست و در جوار حافظیه به خاک سپرده شد (معلم‌حبیب آبادی، ۱۳۵۲: ۲۰۱؛ بامداد، ۱۳۵۱: ۲۸۸).

فرصت، از معدود مورّخانی است که در حوزه‌های مختلف علوم، از جمله: ادبیات، موسیقی، باستان‌شناسی، نقاشی، جغرافیا، اشراف داشته و آثار ماندگار و ارزنده‌ای از خود بر جای گذاشته است. به طوری که می‌توان وی را از دانشمندان برتر تاریخ سده گذشته ایران به شمار آورد. وی در تمامی مراحل عمر خود به تعلیم و تعلم اشتغال داشت و لحظه‌ای از کوشش بازنایستاد. تبخّر و اشراف وی در علوم را می‌توان در اعطای القابی چون: «نصیرالدین ثالث»، «مانی ثانی»، «رفائیل ثانی»، به او بیشتر درک نمود (شعاع‌الملک شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۸۷؛ قاسم‌پور، ۱۳۹۵: ۸). طیف گسترده معلومات و آگاهی‌های وی باعث شد تا مسؤولیت‌ها و شغل‌های مختلفی را نظیر ریاست عدلیه شیراز، مسئول روزنامه فارس (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۸۶)، معلمی و نقشه‌برداری را تجربه نماید. فرصت همچنین در کنار افرادی چون: محمودخان احتشام‌السلطنه رئیس مجلس شورای ملی و سلیمان‌میرزا اسکندری از اعضای «مجمع آدمیت»، بوده است (وره‌رام، ۱۳۶۷: ۴۱۲). از آثار فرصت می‌توان: به آثار عجم (شیرازنامه) در حوزه تاریخ و جغرافیای ایالت فارس، *تقریر تاریخ اجمالی ایران و تتمه‌البیان فی تاریخ‌الافغان* اثر سیدجمال‌الدین اسدآبادی، *اشکال‌المیزان* در حوزه منطق، *دریای کبیر*، نحو و صرف *خط آریا* در حوزه خط میخی، *بحرالاحان* در حوزه موسیقی و عروض، *مثنوی هجرنامه*، *شطرنجیه* در قواعد بازی شطرنج، *دبستان‌الفرصه* و *منشآت* نشر اشاره نمود.

۲. تدوین، ساختار، محتوا و منابع آثار عجم

فرصت به امر تاریخ‌نویسی و نگارش مربوط به زندگی و فرهنگ مردم راغب و علاقه‌مند بود. وی در تدوین و تصنیف کتاب *آثارعجم*، مطالب و داده‌های خود را در دو مرحله گردآوری نموده و در نهایت به رشته تحریر درآورده است. نویسنده در ابتدا به خواهش و سفارش یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی و بر اساس طرحی که وی ارائه داده است به توصیف و تصویر ابنیه‌ها و اماکن تاریخی و باستانی فارس، اندازه‌گیری برخی از ارتفاعات و مساحی پاره‌ای از اراضی مبادرت نموده و سپس مطالبی را که گردآوری کرده است توسط مردی

پارسی به نام مانکجی صاحب برای صاحب‌منصب مذکور ارسال داشته است؛ اما در این زمان با درگذشت مرد پارسی، نوشته‌ها، تصاویر و نقشه‌ها از بین رفتند. در سال ۱۳۱۰ ه.ق. ۱۸۹۲ م. حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه والی فارس، از فرصت خواست نوشته‌ها و تصاویر از دست رفته را دوباره احیا کند و اماکنی را که هنوز در آن پای نگذاشته و نقشه‌ای بر نداشته به آن ضمیمه نماید و به کتابی در تاریخ و جغرافیای فارس اهتمام ورزد. فرصت که خود نیز درصدد این کار بوده است دوباره به تحقیق و جستجو می‌پردازد و حاصل تحقیق خود را دقیق‌تر و کامل‌تر از آنچه در قبل بوده، در کتابش *آثار عجم* ارائه می‌نماید (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۳).

فرصت ساختار و اساس کتاب خود را بر دو بخش تنظیم و پی‌ریزی نموده است: بخش نخست دربردارنده مطالبی اجمالی درباره عرفا، شاعران عرب و حکمای قدیمی ایرانی و یونانی و همچنین مطالبی تفصیلی درباره آثار باستانی موجود در فارس و مناطق دیگر، از جمله: بوشهر، کرمانشاه، خوزستان، چهارمحال بختیاری است. بخش دوم یا شیرازنامه نیز به آثار و اماکن و مدارس مذهبی، مساجد، دروازه‌ها، رجال نام‌آور، برخی از دانشمندان، فقها، ادبا، اطباء، نقاشان، خوشنویسان، مزارات، بعضی منازل، کوه‌ها و قلاع فارس، دریا و دریاچه‌ها، پل‌ها و رودخانه‌ها و قنوات و چشمه‌ها، شیراز و متعلقات آن، بعضی از سلاطین قدیم و متأخر، حوادث و رویدادهای فارس تا آخرین روزهای سلطنت ناصرالدین‌شاه می‌پردازد. فرصت‌الدوله در نوشتن *آثار عجم* بر اساس آنچه ذکر نموده از منابعی گوناگونی، چون: *وفیات الاعیان* اثر ابن‌خلکان، *روضه‌الصفای* میرخواند، *ناسخ‌التواریخ* اثر میرزا تقی‌خان لسان‌الملک، *روضه‌الصفای* ناصری اثر رضاقلی‌خان هدایت، *حبیب‌السیر* خواندمیر، *مجالس المؤمنین* نورالله شوشتری، *مطلع العلوم* واجد علی‌خان هوگلی هندوستانی، *ریاض‌العارفین* رضاقلی‌خان هدایت، *نفحات الانس* عبدالرحمان جامی، *طره‌الازهار* عبدالله عبدی میدلی، *مجمع‌البیان* رضاقلی‌خان هدایت، *لب‌السیر* ابوطالب تبریزی، *بستان‌السیاحه* زین‌العابدین شیروانی و *شاهنامه* حکیم ابوالقاسم فردوسی بهره گرفته است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳، ۶۰). با این‌همه نویسندگان در متن و بخش‌های مختلف اثر، از منابع خود به طور واضح سخن به میان نمی‌آورد و با عباراتی نظیر: «گویند» و یا «در بعضی کتب دیده‌ام»، از آن می‌گذرد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۵۲).

۳. بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری فرصت شیرازی

بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری فرصت‌الدوله در *آثار عجم* برآیند ویژگی‌ها و شاخصه‌های ذیل است؛

۳-۱. روش بهره‌گیری از کار تیمی و گروهی در امر تحقیق

استعانت از کار گروهی و تیمی در شناسایی موقعیت، نقشه‌برداری، ارتفاع، اندازه و زوایای آثار طبیعی، بناها و اماکن تاریخی و مذهبی در امر تحقیق که شناخت آن به شکل فردی و به تنهایی امکان‌پذیر نیست و در عین حال خطرات و مشقت‌های عدیده‌ای به دنبال دارد، بخشی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری فرصت‌الدوله شیرازی در بعد روش را شکل می‌دهد. امری که در تاریخ‌نگاری این دوره کمتر دیده می‌شود و یکی از ابعاد و شاخصه‌های تاریخ‌نگاری علمی و نوین به شمار می‌رود. برای نمونه فرصت برای دست‌یافتن بر ارتفاع و اندازه‌ها و شناسایی موقعیت و زوایای جغرافیایی غار شاپور در کازرون که امکان شناسایی آن به تنهایی امکان‌پذیر نیست و مخاطرات و سختی‌های فراوانی به دنبال دارد، از روش گروهی و تیمی استعانت می‌جوید. وی در این رویکرد با تشویق و ترغیب گروه و بخشیدن جوایز و عطایا به آنان در مرتفع نمودن این امر خطیر در امر تحقیق بهره‌مند می‌شود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۸-۲۱۷). فرصت پس از ورود به غار و تهیه نقشه و شناسایی زوایا و اندازه‌های آن، از مجسمه‌ای که داخل آن است اطلاعات ارزنده‌ای به دست می‌دهد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۸). این دسته از اطلاعات فرصت برای مورخان و باستان‌شناسان امروزی به‌ویژه از حیث تحولات فرسایشی و زمانی که بر این اثر تاریخی گذشته، حائز اهمیت است.

مورد دیگر نقشه‌برداری فرصت از بنای کعبه زرتشت است. فرصت در تحقق این امر از کار گروهی و مساعی تیمی بهره‌مند می‌شود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۷-۲۱۶). همچنین فرصت برای وارد شدن در سوراخ‌ها و جداول آبی پیرامون تخت جمشید و شناسایی ارتفاع، اندازه و تهیه نقشه از آن به روش تیمی و گروهی مبادرت می‌ورزد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۸۱).

۳-۲. روش کاربست تحلیل در علت‌یابی رویدادها

تاریخ و تحلیل عقلانی و روشمند رویدادهایی که در تاریخ رخ داده‌اند، یکی از دستاوردهای مدرنیته است. تاریخ و تاریخ‌نگاری را می‌توان در برابر اسطوره‌باوری سنتی قرار داد که رویدادها و پدیده‌های تاریخی را از یک منظر و اساس متافیزیکی و فراتاریخی می‌نگریست و بر سرنوشت محتوم و بی‌اختیار انسان در وقوع حوادث و پدیده‌های تاریخی تأکید داشت (حقدار، ۱۳۸۷: ۲۸۲). تاریخ‌نگاری محلی ایران که از دوره صفوی به تعبیری روزگار خاموشی خود را طی می‌نمود، با عقل‌گرایی و نقد منابع و باورهای پیشین طلوع کرد (رجائی و دیگران: ۱۳۹۰: ۴۱). به کارگیری تحلیل در رویدادها و پدیده‌های تاریخی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری

علمی به شمار می‌رود. فرصت در جای‌جای تاریخ عجم به بسیاری از موهومات و خرافاتی که پیرامون پیدایش و تاریخچه بقعه‌ها، آثار و اماکن تاریخی است، می‌تازد و با ارائه روش کاربست تحلیل در ریشه‌یابی علت‌ها، غبار اوهام را از آیینۀ واقعیت‌ها می‌زداید. برای نمونه، فرصت افسانه‌ها و باورهای موهوم و مرسوم عوام درباره «چرخ الماس» در تخت جمشید را مورد هجوم قرار می‌دهد. در این زمان به باور مردم در تخت جمشید سوراخی وجود دارد که در آن چرخ آتشفشانی است. این چرخ در حال حرکت و گردش است و هر کس در آنجا رود هلاک می‌شود. فرصت این سوراخ‌ها و جداول را معبری آبی می‌داند که پیرامون بسیاری از عمارات و اراضی آنجا تعبیه شده است. وی صدای این جداول را به‌واسطه سراسیمی و تهی بودن و موج بودن باد بر آن می‌داند و در این باره می‌نویسد:

«حقیقت این مطلب این است که در عرصه‌گاه تخت جمشید بطرف جنوب آن عرصه بر روی زمین سوراخی است که عمق آن به اندازه یکمرد است و به مقدار سه چاریک عرض دارد از آن سوراخ که پایین می‌روند راه منقسم میشود بدو طرف مثل جداول آب و از هر طرفی چند قدمی با چراغ شخص میتواند برود؛ اما بیشتر بسبب اختباس هوا خالی از اشکالی نیست و این جداول کفش سراسیم است و بواسطه تهی بودنش هرگاه هوای مجاور بآن تَمّوج پیدا کند صدا میکند...» (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۸۱).

فرصت در مورد بقعه نزدیک به روستای «مشهد مادر سلیمان» و باور عامه مبنی بر اینکه قبر مادر سلیمان بوده است، این باور را رد می‌نماید و نظر مورّخین اروپایی را می‌پذیرد که این بنا مقبره کورش بوده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۷۹-۳۷۸). وی با تحلیل و تفحص در خاک و لوح زیارتگاه شیخ دانیال که در سمت جنوب شیراز قرار گرفته است باور مردم مبنی بر انتساب این زیارتگاه به دانیال نبی که حتی در برخی از کتاب‌ها هم وارد شده است را رد می‌نماید (فرصت‌شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۹۲). در جای دیگر باور مردم و برخی از کتاب‌ها را درباره ساختن زیارتگاه سیدعلاءالدین حسین (ع) - فرزند حضرت امام موسی کاظم (ع) - توسط قتلغ‌خان، حاکم زمانه آن حضرت را از اساس باطل می‌داند و با ذکر تحلیل‌ها و دلایلی در این باره می‌نویسد:

«... در این قول اشکالی است و آن این است که شبهه نیست که در اینکه ظهور قبر آن بزرگوار مهر و موم‌ها پس از شهادتش بوده و قتلغ مذکور معاصر بآن حضرت و برادرش بوده چنانکه مذکور شد که محاربه کرده مگر اینکه بگویند این قتلغ‌خان غیر قتلغ‌خان مذکوره است (بالجمله) بنابر آنچه فقیر از تتبع یافتن این است که آن بزرگوار در باغ قتلغ تشریف برده او را شناخته شهیدش نمودند پس از مدتها که آن باغ خراب شده و جز تلی از آن باقی نمانده در زمان صفویه بعلاّمت و آثاری مضجع آن حضرت را یافتند بهیأتی که ذکر یافت پس میرزا علی نامی از اهل مدینه که صاحب اموال کثیره بوده بشیراز آمده بنائی بر آن قبر گذارده و املاک و بساتین بسیار بر آن حضرت وقف نموده و خود وفات کرده ...» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۵۴-۴۵۳).

مورد دیگر باور مردم شیراز پیرامون «چاه مرتضی علی» است که بر قلّه کوه چهل‌مقام در کنار شیراز واقع شده است. فرصت انتساب این چاه به علی (ع) و این باور را که علی (ع) در این مکان قدم گذاشته است را رد می‌نماید (فرصت‌شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۹۳). در جای دیگر نیز اعتقاد مردم مبنی بر دفن شیخ ابواسحاق کازرونی در زیارتگاه سبزپوشان که در کوهی در جنوب شیراز واقع شده است را رد می‌نماید و با ارائه تحلیل و ذکر دلایلی این بقعه را مدفن شخصی دیگر از عرفا با همین نام می‌داند (فرصت‌شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۹۳). همچنین فلسفه حلقه گرفتن دو نفر پادشاه از دست یکدیگر را با استناد به شعری مبنی بر انعقاد قرارداد و پیمانی میان آنان دانسته و باور مردم مبنی بر زورآزمایی بین پادشاهان را از عدم بصیرت آنان دانسته و آن را رد می‌نماید (فرصت‌شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۲۲).

۳-۳. به‌کارگیری روش میدانی

مطالعه و روش میدانی، تحقیقی است که موضوع مطالعه در اختیار محقق بوده و وی به آن دسترسی دارد (چیت‌سازان، ۱۳۸۸: ۴۵). در تحقیق میدانی، مشاهده یکی از روش‌های گردآوری داده‌ها و اطلاعات است که محقق در طی آن با ثبت منظم کنش و ویژگی‌های موجودات زنده یا خصوصیات اشیاء و پدیده‌ها، از طریق مشاهده و به شکلی حضوری و بی‌واسطه، به ثبت و ضبط آن می‌پردازد. از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری فرصت، مشاهدات عینی وی و به‌کارگیری و اعمال روش میدانی در تدوین کتابش، آثار عجم است.

فرصت در ذکر آثار و بناهای فارس، تنها به نقل گفته‌ها و شنیده‌ها بسنده نمی‌کند. فرصت در اکثر مراحل تحقیق به شکلی حضوری و بی‌واسطه بر موضوع تحقیق نظارت عینی دارد و حاصل مشاهدات عینی خود را ثبت و ضبط می‌کند. این مشاهدات توسط کسی انجام می‌شود که افزون بر شناخت و اطلاع دقیق از وضعیت سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، در آن منطقه زیسته و بومی آن است. بومی بودن محقق و شناخت دقیق وی از موقعیت راه‌ها، شهرها و در اغلب موارد بزرگان آن، آثار تاریخی، فرهنگ و آداب‌ورسوم و مردم‌شناسی مناطق و مراکز حوزه تحقیق، در پیشبرد نتایج تحقیق وی از حیث کمی و کیفی تأثیر بسزایی دارد. از جمله دلایل اثبات این مدعا، حضور و مشاهده نزدیک وی از اماکن، بناها و آثار تاریخی و طبیعی، نظیر تخت جمشید، نقش رستم، کتیبه بیستون، زیارتگاه، کاروانسراها، باغ‌ها، کوه‌ها، (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۷-۲۱۶، ۵۰۷، ۴۹۲، ۴۵۹، ۴۵۷، ۴۵۵، ۴۵۳) و همچنین بسیاری از شهرها چون فیروزآباد، کازرون،

چهرم، داراب، فسا و ارائه نقشه، تصویر، تعیین موقعیت جغرافیایی و فیزیکی آن‌هاست (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۱۲، ۲۴۲، ۸۳، ۱۰۱، ۸۱، ۱۱۰).

۳-۴. روش بهره‌گیری از نقشه، تصویر و نقاشی برای ثبت و ضبط آثار

فرصت‌الدوله در تاریخ عجم از روش بهره‌گیری از نقشه، تصویر و نقاشی برای ثبت و معرفی آثار و بناهای تاریخی سود می‌جوید. در این اثر نزدیک به پنجاه نقاشی به همراه طراحی دقیق از اماکن و بناهای تاریخی و باستانی ایالت فارس و کرمانشاه و مناطق دیگر آورده شده است. فرصت با آوردن نام خود در دایره‌ای بسته، تحت عنوان «نگارنده نقشه فرصت‌الدوله شیرازی غفرله» آن‌ها را به همراه نقد و بررسی هر بنا و تشریح موقعیت مکانی و تاریخی آن آورده است.

فرصت در نقاشی‌های این اثر تلاش می‌کند جزئیات و موقعیت مکانی بنا را بر روی کاغذ ترسیم نماید. اگر نقاشی‌های وی را با بناهایی که هنوز برجای مانده‌اند، مقایسه کنیم دقت نظر و عمل نقاش مشخص می‌شود و حتی در این قیاس دگرگونی‌ها و تغییرات ایجاد شده بر روی بنا شناخته می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). فرصت هدف و انگیزه خود از پرداختن به آثار و بناهای باستانی را ثبت و ضبط آن اعلام می‌کند نه اکتشاف این آثار (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۳). این مسئله خاطر نشان می‌سازد که هدف فرصت از بررسی آثار باستانی، حفاری و کشف آثار باستانی نبوده؛ بلکه وی بر آن بوده که این آثار را از فراموشی ایام نجات داده و موقعیت و وضعیت فعلی این آثار را با استعانت از روش‌های علمی نظیر نقشه‌کشی، ریاضی، نقاشی، دانش خط‌های باستانی و جغرافیا، ضبط و ثبت نماید تا برای آیندگان محفوظ بماند.

۳-۵. بینش باز و تنوع و گوناگونی موضوعی

مورخان محلی به علت محدودیت حوزه جغرافیایی و تحقیقی، فرصت و امکان بیشتری دارند که در جزئیات دقیق شده و تصویر روشن‌تری از موضوع پژوهشی خود ارائه دهند. از دیگر سوی محاط بودن و زیستن در محدوده‌ی جغرافیایی تحقیق، به آنان این امکان را می‌دهد که بر روی هر موضوعی که توجه آنان را برمی‌انگیزد با دقت نظر بیشتری، به ثبت و ضبط آن اقدام نمایند. از این رو خاطر تاریخ محلی، میدانی برای تاخت‌وتاز ذهن و چشم برای شکار موضوعات گوناگون است (نورانی و رجائی، ۱۳۹۰: ۵۱). تاریخ آثار عجم نیز از این ویژگی یاد شده مستثنا نیست. به طوری که از دیگر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری فرصت در آثار عجم، تنوع و گوناگونی مطالب و موضوعات آن است. گونه‌گونی موضوعی و تنوع مطالب

آثار عجم، بیش از هر چیز متأثر از نوع و سطح آموخته‌های مؤلفش است. تنوع کتاب به گونه‌ای است که آن را به صورت دائرةالمعارفی جامع در مورد علما و فضایی عصر خود، بناهای تاریخی و شرح وقایع روزگار درآورده است (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). باید اذعان نمود که فرصت داده‌ها و یافته‌های خود را در شرایطی دشوار و با امکانات حداقلی روزگار به دست آورده است. فرصت، خود نیز در این باره می‌نویسد:

«... مطالب این کتاب را اکثراً در دهات و بیابان‌ها می‌نگاشتم. خدای احد شاهد حال است که بسا مطالب ابنیه و آثار بعضی جاها را با قلم مداد سواره مسوده می‌کردم در سرزمینی که نه لغت فارسی بود نه لغت عرب، نه نسخه تاریخ نه کتاب ادب» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۵).

۳-۶. یادگیری علوم جدید و بهره‌گیری از آن در امر تاریخ‌نگاری

در نیمه اول حکومت قاجاریه، با آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپا و در عین حال بروز و ظهور تغییر و اصلاح در حوزه‌های مختلف، حوزه تاریخ‌نگاری نیز از این امر برکنار نماند و نوع جدیدی از تاریخ‌نگاری جدید و نوین شکل گرفت. آشنایی ایرانیان با متون تاریخی اروپا از طریق ترجمه، آشنایی با علوم نظیر باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، جغرافیا، نقشه‌کشی، تأسیس مراکز آموزشی نوین و آشنایی آنان با دستاوردهای علمی شرق‌شناسان از عوامل این تغییر بود.

بیشتر منابع تاریخی این دوره نگاهی علمی‌تر به تحقیقات خود داشته و از منابع دانش‌بنیاد نظیر کتیبه‌ها و اسناد و فرامین در پژوهش خود سود جستند (چلونگر و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۵). اثر فرصت نیز از زمره این دسته از آثار است. بینش عمیق و سواد و معلومات دائرةالمعارفی فرصت، موجب شده که وی از تخصص‌ها و آگاهی‌های خود در حوزه علوم جدید در امر تصنیف آثار عجم بهره‌مند شود. فرصت عمدتاً نگاهی علمی به تحقیقات خود داشته و از منابع جدید دانش‌بنیاد، نظیر کتیبه‌ها، زبان‌شناسی، نقاشی‌ها و همچنین آمار و ریاضی در کار خود سود جستند و تصاویر مربوط به آن را در کتاب خود آورده است. وی همچنین از انتقال و درج بخش‌هایی از یافته‌ها و آگاهی‌های سفرنامه‌های خارجی در کار خود غافل نبوده است. وی علاوه بر تحصیل و تسلط بر علوم قدیمه چون: منطق، حکمت و صرف و نحو و اسطرلاب و هیئت و هندسه، به دلیل مطالعه و تسلط کامل به زبان انگلیسی و ارتباط با علمای نوگرایی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، آگاهی فراوانی پیرامون علوم جدید کسب کرده بود (قلی‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۴۶). در این میان نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در جهت بخشیدن به بینش فرصت و آشنایی وی با علوم جدید و در عین حال تأثیرپذیری فرصت از وی در حوزه تفکر و تاریخ‌نگاری غیرقابل تردید است.

فرصت توجه و تأثیرپذیری خود از سید جمال‌الدین اسدآبادی را با نقل و روایت کتاب «تاریخ اجمالی ایران» که تقریرات سید جمال به هنگام اقامت او در بوشهر (۱۳۰۳ ه.ق./ ۱۸۸۵ م.) است، نشان داده است. این اثر نگاهی گذرا و تحلیلی، از منظری متفاوت به تاریخ ایران دارد و تأملات اسدآبادی را درباره تاریخ و تاریخ‌نویسی در برمی‌گیرد. این کتاب گزارشی چکیده از مبادی تاریخ ایران تا دوره ناصری با ذکر ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی هر دوره تاریخی است (قدیمی‌قیداری، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۹). به نظر می‌رسد فرصت در ژرف‌نگری و دقت نظر در دانش تاریخی خود و همچنین میل به تجدد و اهتمام به یادگیری علوم جدید، جهت مرتفع نمودن گوشه‌ای از عقب‌افتادگی‌های کشور خویش، بی‌تأثیر از سید جمال نبوده است و اگر غیر از این بود، اهتمام به نوشتن تاریخ اجمالی وی، در مقدمه «دیوان دبستان /الفرصه» نمی‌نمود. لازم به ذکر است سید جمال به دلیل مطالعات زیاد و سفرهای مکرر به کشورهای مختلف، با تاریخ آن کشورها به خوبی و از نزدیک آشنایی پیدا کرده بود. وی در پاره‌ای موارد بخشی از معلومات خود را با بیان و یا قلم در اختیار عموم قرار داده است؛ که به دو نمونه از آثار تاریخ‌شناسی وی می‌توان به بیان «تاریخ اجمالی ایران» و شرح تحلیلی «تاریخ افغان»، اشاره نمود (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۲۰-۱۹). فرصت در مدت اقامت سید جمال در بوشهر و آغاز آشنایی و مجالست با وی، قطعات معیوب یکی از دو کره آسمانی و زمینی سید را که همیشه در سفر به همراه می‌برده است را، تعمیر می‌نماید. اطلاعات به روز و علمی سید درباره علم هیئت جدید، فرصت را که روزگاری به علم هیئت قدیم پرداخته و خود را در طی این دوران، استاد و خبره می‌دانسته، متأثر و متحول می‌نماید. در طی این دوره فرصت از دانسته‌های و داشته‌های علمی و معرفتی سید جمال، بهره‌گیری ممکن را به عمل می‌آورد. وی در این باره می‌نویسد:

«سید بواسطه سوءمزاج و علتی که داشت تا چند ماه نتوانست از بوشهر حرکت فرماید و بنده در خدمتشان بودم. یک دوره هیأت جدید از کتاب انگلیسی مرا درس می‌داد و من به فارسی آن را می‌نوشتم. گذشته از هیأت، مطالب دیگر نیز از آن بحر محیط و حبر بسیط استفاده می‌نمودم (که بود ساقی و این باده از کجا آورد؟! به کلی منقلبم ساخت. نمی‌دانم این که بود و از کجا آمد و چه اثر در کلام مبارکش خدای تعالی نهاده بود!» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۳۳: مقدمه).

در هر حال، حاصل مجالست فرصت با سید جمال و آشنایی با پیشرفت‌های ممالک دیگر در بینش وی تأثیر بسزایی برجای گذاشت. فرصت علاوه بر زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه، خطوط پهلوی و میخی را می‌دانست (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۳۴، ۱۴۳، ۱۴۶). به باستان‌شناسی و حفظ و نگهداری آثار باستانی سرزمین خود دلبسته و شیفته بود تا آنجا که برای ثبت و ضبط مآثر قومی و بقایای تمدن و فرهنگ ملت خویش مدت مدیدی از

عمرش را با سختی و مشقات فراوان در کوه‌ها و سپری ساخت (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۵: مقدمه / ۲). فرصت احتمالاً اولین ایرانی است که خط میخی می‌دانست. وی در مورد علت و نحوه آشنایی‌اش با خطوط میخی و پهلوی می‌نویسد:

«در بلوک مرودشت قریب تخت جمشید جایی است که آن را نقش رستم نامند همچنین جایی دیگر که آنرا نقش رجب خوانند در آنجاها بعضی از خطوط پهلوی منقوش بر سنگ است مثل خطوط در شاپور کازرون که آنها هم پهلوی است زمانی که آن خطوط پهلوی را دیدم افسوس میداشتم از اینکه ترجمه آن خطوط را نمی‌دانم مثل افسوسی که مرا در خط میخی بود بعد از اینکه از سفر مرودشت مراجعت نمودم جد و جهدی تمام در یافتن خط میخی مرعی داشتم در صدد آن برآمدم که از خط پهلوی نیز فی الجمله اصطلاحی! [= اطلاع] بدست آرم و همچنین از ترجمه آن خطوط پهلوی که منقوش بر آن احجار است آگاهی حاصل نمایم قضا را بتوسط دوستی به شخصی از اهل یوروپ (مستر بلگمن) نام آشنائی بهم رسانیده کتابی از آن بدست آوردم و چون از خواندن خط پهلوی ربطی داشت در نزد وی قدری از آن خط بهره گرفتم و ضمناً هم بخط یونانی پی بردم و قدری از ترجمه خطوط پهلوی منقوره بر احجار مذکوره یافتم.» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۴۶).

آگاهی‌ها و دانش‌های فوق سبب شد که آثار عجم از یک‌سو متأثر از بافت فکری و اندیشه سنتی مؤلفش باشد و از سوی دیگر از اندیشه‌های نوین تحقیق و پژوهش - که از سوی محققین و مستشرقین غربی ترویج می‌شد- دور نماند؛ به عبارت دیگر فرصت در آثار عجم دوره انتقال و تحول تاریخ‌نگاری و شیوه‌ی نگارش را تجربه می‌کند. بدین ترتیب که در تاریخ‌نگاری سنتی میل به تجدد و سود جستن از دانش‌ها و علوم جدید کرده و علاوه بر استفاده از مطالعات مستشرقین راجع به تاریخ و زبان ایران باستان؛ ساده‌نویسی را نیز مورد اهتمام قرار داده است (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۶). فرصت در جستجوی یافتن کلید رمز پیشرفت دیگران و عقب‌ماندگی کشور خودش بود. به همین جهت او توجه به علوم جدید را از ضرورت‌های اجتماعی دوران خود می‌دانست و از معدود رجال بود که بسیار زود به ضرورت کسب معارف جدید، حکومت قانون و همگامی با تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی تازه پی بردند. وی از پیشگامان ترویج نوجویی، نوآوری و پژوهش در زمینه علوم و فنون و هنر در دوران معاصر ایران به شمار می‌رود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۵: مقدمه / ۱).

۳-۷. توجه به تاریخچه شهرها و آثار باستانی و مذهبی

تاریخچه، ریشه لغوی شهرها و متعلقات مربوط به آن، نظیر مساجد، مدارس، تکایا، ابنیه‌ها و آثار باستانی و ... همواره مورد توجه و اقبال مورخان محلی بوده است. در این مؤلفه نوعی تمایل به ایران باستان و پیدا کردن هویت تاریخی برای مناطق مورد بررسی در نوشته‌های این دسته منابع دیده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶: ۶۴). با این تفاوت که فرصت در آثار عجم، با تکیه به دانش باستان‌شناسی به بناهای باستانی ایالت فارس، پرداخته است. وی در عین

حال به تاریخچه، ریشه لغوی شهرها و همچنین مدارس، تکایا و مساجد آن توجه خاصی نشان داده و درباره ولایات و روستاها و تعداد ساکنین آنان، موقعیت جغرافیایی و طبیعی، آب‌وهوا، ابنیه‌ها و آثار معماری، تفرجگاه طبیعی، محصولات زارعی و باغی، فضلا، بزرگان و مشاهیر آن، اطلاعات دقیق و ارزنده‌ای به دست می‌دهد. برای مثال درباره موقعیت تاریخی و جغرافیایی، آب‌وهوا، ولایات و تاریخچه پیدایش بیضا می‌آورد:

«بیضا بلوکی است بسیار وسیع، واقع در شمال غرب شیراز هشت فرسنگ مشتمل بر دهات کثیره و آن بلوک سردسیر است ولی هوایش باعتدال نزدیک، آب آن از چشمه و قنوت حاصلش غله و برنج و قلیلی از میوه‌جات جلگه آن خیلی باصفا و با حضرت است در وسط بلوک جایی است که آن را تل بیضا نامند آنجا شهر قدیم بوده و در جایی دیگر دهی است مرسوم به ملیان به مسافتی دور از تل بیضا، در آنجا آثاری از آن شهر است... گویند شهر قدیم بیضا را گشتاسب بنا بر نهاده... از جمله سیرگاه بیضا تنگی است موسوم به غوره‌دان که در آن چشمه‌های خوشگوار و اشجار بیشمار است درخت‌های رز بسیار سطر قوی‌هیکل کهن‌سال بسیار دیده میشود...» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۳۶).

فرصت همچنین اطلاعات قابل توجهی از مساحت، تعداد ساکنین و خانه‌های شهرها و ولایات ایالت فارس به دست می‌دهد. به طور مثال تعداد خانه‌های سروستان را ۷۰۰ خانه، ولایت ماهلویه را ۲۰۰ خانه، شهر فسا را ۱۵۰۰ خانه، جهرم را ۴۰۰۰۰ هزار نفر جمعیت و ۶۰۰۰ خانه، زرقان را ۱۲۰۰۰ هزار جمعیت و ۲۰۰۰ خانه (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۷۳، ۲۱۷) ذکر می‌نماید. این دسته اطلاعات از حیث آماری و اجتماعی اطلاعات ارزشمندی را از حیات اجتماعی و جمعیت ایالات و شهرهای فارس در اختیار محقق قرار می‌دهد. اطلاعاتی که در منابع و کتاب‌های این دوره کمتر دیده می‌شود. فرصت در مورد آثار باستانی و متعلقات آن اطلاعات مبسوط و قابل توجهی ارائه نموده است. بررسی نقوش و کتیبه‌های تخت جمشید و شرح دخمه‌ها و وارد شدن به آنان، به‌ویژه ترجمه کتیبه بیستون از جمله امتیازات برجسته این اثر است که مانند آن در تواریخ محلی این عصر، حتی فارسنامه ناصری دیده نمی‌شود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۴۷، ۱۴۵، ۱۴۲، ۲۳۴، ۲۳۶). با این وجود، ترجمه‌ها و برداشت‌هایی که فرصت از نقوش و کتیبه‌ها کرده با ترجمه‌های کنونی تفاوت‌هایی دارد و چندان قابل مقایسه با روش‌های علمی و جدید باستان‌شناسی امروزی نیست. برای مثال در کتیبه بیستون بر اساس آنچه که در تاریخ عجم آمده، واژه‌هایی چون: «آوجها، بابروش، اثرا» دیده می‌شود که هم‌اکنون به صورت خوزستان، بابل و آشور شناخته شده است (حامدی، ۱۳۸۰: ۱۵۰). با این‌همه باید در نظر داشت که یافته‌ها و برداشت‌های فرصت؛ آن‌هم با علم آن روزی و امکانات محدودی که در اختیار وی بوده، منحصر به فرد بوده است. فرصت در قسمت تکایا نیز اطلاعات و آگاهی‌های قابل توجهی از

عارفان، خصوصاً عرفای شیرازی به دست می‌دهد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۷۷/۲). بخشی دیگر از اطلاعات فرصت در ارتباط با مدارس شیراز در این دوره است. دارالفنون سنگ بنای اصلاح آموزشی امیرکبیر و نخستین مؤسسه آموزش به سبک اروپایی در ایران بود که برای درمان دردها و مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد شد و پیامدهای مهمی در امر آموزش و شکل‌گیری مدارس نوین در مرکز و شهرهای ایران به دنبال داشت (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۲۱، ۸۴؛ محبوبی اردکانی، ۲۵۳۵: ۶۲-۶۱). مدارس جدید ثمره گرایش‌های سیاسی و فکری‌ای بودند که نخستین بار با مدارس رشدیه نمایان شد. در این میان اهتمام شخصیت‌هایی چون میرزا حسن رشدیه، امین‌الملک در ایجاد و توسعه مدارس در مرکز و شهرهای دیگر تأثیر بسزایی در تنویر افکار عمومی و نهضت مشروطه برجای گذاشت (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۷۷-۱۷۶، ۱۹۸؛ محبوبی اردکانی، ۲۵۳۵: ۶۹). فرصت از مدرسی نظیر مدرسه خان در محله اسحاق-بیگ، آقاباباخان در محله درب شاهزاده در جنب مسجد وکیل، مدرسه بابله در محله سرباغ در جنب بقعه شاه‌منذر، مدرسه حاجی میرزا قاسم‌خان در محله سرباغ که در شیراز، طلاب در آن درس می‌خواندند سخن به میان می‌آورد و درباره آن اطلاعاتی به دست می‌دهد (فرصت‌شیرازی، ۱۳۲۲: ۴۹۵-۴۹۴). فرصت متأسفانه از رویکرد آموزشی این مدارس سخنی به میان نمی‌آورد و به شکلی اجمالی به تاریخچه ساخت، معماری، ترسیم موقعیت و بنیان آن می‌پردازد. با این‌همه معرفی تعداد زیادی از مدارس شیراز در این دوره، حاکی از اهتمام بنیان و متولیان فرهنگی این شهر در رشد و اشاعه آموزش است و اطلاعات ارزنده‌ای را از حیث موقعیت، معماری و تاریخچه این مدارس، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. فرصت همچنین در کتابش، به ترتیب الفبایی از نام پنجاه مسجد دارالعلم شیراز که در آن زمان وجود داشته سخن به میان می‌آورد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۳۵). وی در مورد مساجدی، چون: جامع عتیق در محله بازار مرغ، مسجد نو، مسجد آدینه‌خان در محله اسحاق بیگ، مسجد وکیل، مکان و محله هر مسجد، تاریخچه و امامان آن اطلاعات و توضیحات مبسوطی ارائه می‌دهد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۴۰-۴۳۵). این دسته از اطلاعات فرصت می‌تواند منبع ارزشمندی برای شناسایی و شناخت مساجد شیراز است. اطلاعاتی که در فارسنامه ناصری نیز کمتر دیده می‌شود.

۳-۸. توجه به اصناف و قشرهای اجتماعی

از دیگر متعلقات و عناصر مربوط به تاریخ‌نگاری فرصت که البته در تواریخ محلی ایرانی اسلامی مرسوم است توجه به اصناف و قشرهای اجتماعی است (منصوربخت، ۱۳۹۷: ۲۳۲).

فرصت نیز در کتابش به اصناف و دسته‌های صنایع شیراز اعم از حکاکان، ساعت‌سازان، صحافان، خاتم‌سازان، چاقوسازان، قالی‌بافان، زرگران و نجاران (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۵۲-۵۵۱) و همچنین ارباب قلم، اطباء، علما و فقها، واعظان و اهل منبر، هنرمندان شیراز از قبیل خوش‌نویسان، نقاشان و شاعران پرداخته است. این دسته از اطلاعات می‌تواند در شناخت صاحبان حرف و همچنین ارباب قلم، هنرمندان و شاعران، این شهر ارزشمند باشد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۳۹، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۲). از دیگر مواردی که فرصت در تاریخ عجم به آن پرداخته توصیف و ذکر بساتین و باغ‌های معروف شیراز و حومه آن است. فرصت از باغ‌های معروف شیراز، نظیر باغ سنقری، باغ رحمت‌آباد، باغ حوض، باغ جنت، باغ گلشن، باغ سلطان‌آباد، باغ پودنک، باغ ارم، باغ زعفرانی، باغ نشاط و موقعیت جغرافیایی و محلی و همچنین بنیادگذاران آن سخن به میان می‌آورد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۱۱-۵۰۷).

۳-۹. توجه به ادارات دیوانی و محلی

فرصت همانند اغلب تواریخ محلی درباره ادارات دیوانی و حکومتی، شهری و محلی اطلاعاتی به دست می‌دهد. وی ادارات شیراز را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم‌بندی می‌کند و از اداراتی چون: توپخانه، قورخانه، تلگراف‌خانه، پستخانه، بیگ‌ریبیگی‌گری، و کلاء، دیوان‌خانه عدلیه، تجارت و کمپانی تجارتنی، تحت عنوان اداره‌جات داخلی (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۳۷-۵۳۳) و از تلگراف‌خانه، بانک شاهنشاهی، تجارت‌خانه خارجی و کمپانی خلیج‌فارس، به عنوان ادارات خارجی (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۳۹-۵۳۸) نام می‌برد. فرصت در ذیل هر کدام از این ادارات به توضیح درباره آنان و همچنین معرفی متولیان آن می‌پردازد. این دسته از اطلاعات می‌تواند آگاهی‌های ارزشمندی درباره ادارات و امور دیوانی شهرها و ایالت‌های دوره قاجار در اختیار مورخان قرار دهد.

۳-۱۰. روش و سبک ساده و روان

در دوره قاجار، نثر فارسی در نتیجه «رستاخیز ادبی» و بازگشت ادبی وارد دوره جدیدی از حیات خود گردید. تعدادی از نویسندگان و مورخان برجسته، نظیر عبدالرزاق بیگ دنبلی، ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی و میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی در صدر قاجار در بهبود نثر فارسی کوشیدند (قدیمی‌قیداری، ۱۳۹۳: ۳۱۱-۳۱۰). آنان با روی‌گردانی از سنت‌های نهادینه و سنگ‌شده تاریخ‌نگاری و ادبی آن روزگار، از جمله: نثر مغلق و دشوار - که میراث تاریخ‌نگاری گذشته بود و زبان و مسائل تاریخی را به لفاظی و چیستان‌بازی تنزل داده بود - همراهی و همگامی خود را با سبک بازگشت ادبی که ویژگی غالب آن ساده‌نویسی و دوری

از تکلف بود، نشان دادند (کشاوری بیضایی، ۱۳۹۶: ۱۹۴). پس از آن نویسندگان دیگر چون: میرزا حسنخان صنیع‌الدوله، میرزا آقاخان کرمانی، فرهاد میرزا و حتی ناصرالدین‌شاه قاجار سنت ساده‌نویسی را اشاعه و استمرار بخشیدند (بهار، ۲۵۳۵: ۳/۲۷۳-۲۷۲). فرصت نیز از زمره کسانی است که با تأسی از راهی که قبل از وی در عرصه ساده‌نویسی در نثر تاریخی و فارسی هموار شده بود تا اندازه زیادی به تحقق آن در تاریخش مبادرت ورزید. وی علی‌رغم اینکه شاعر و ادیبی برجسته بود و بر این حوزه آگاهی و اشراف گسترده‌ای داشت، شیوه ساده‌نویسی را برای تحریر کتابش انتخاب نمود. چیزی که در مقدمه نیز به آن اذعان کرده است:

«... فقیر در این کتاب آنچه می‌نویسد مراعات سجع را نخواهد نمود و چشم از عبارت‌پردازی خواهد پوشید؛ پس مطالعه‌کنندگان این کتاب را گمان نرود که عذر این معنی، بواسطه عدم قدرت به پرداختن عبارت و آوردن سجع است؛ چون [آن] که معرفت محاسن و معایب تراکیب نثریه را بصیرم و اقسام کلام منثور را از مرجز و مسجع و عاری، دانم؛ سلاست؛ منانت و لطافت و اقتباس مستحسن و مستهجن را دیده و خواندم؛ بلکه پاره‌ای از این علم را در کتاب مسمی به دریای مبین که تألیف این فقیر است، ذکر نموده‌ام. ولی اولی و انساب آن است که در این کتاب عبارات روان خالی از اطناب و تعقید ذکر شود و از عبارت‌پردازی نیز چشم‌پوشی نمایم» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۱۱-۱۰).

فرصت از آنجا که خود شاعر است و بر آتش ادبیات این دوره نیز دستی دارد در جای‌جای کتابش از اشعار شاعران گذشته و معاصران و همچنین اشعار خودش استفاده می‌نماید. در این میان اشعاری از شاعران محلی و گمنام فارس در تاریخ فرصت دیده می‌شود که در جای خود ارزشمند است و حاکی از رونق شعر و ادب در دیگر مناطق و شهرهای فارس است. در اینجا به نمونه‌ای از نثر فرصت در تاریخ عجم اشاره می‌شود:

«بازار و بازارچه در شیراز بسیار است. معروف و مشهور آنها چند بازار است. بازار وکیل از بناهای مرحوم کریمخان وکیل است. قریب مسجد وکیل چهار بازار از آجر و گچ ساخته شالوده‌های آن از سنگ‌های کلان قرار داده در وسط چهار بازار چهارسوئی است که سقفش بسیار بلند و طرزش دلپسند است کمتر بازاری در ایران بدین اسلوب و بنیان دیده میشود یک بازارش تا برسد بهچار سوی مذکور چهل و یک طاق است آن را بازار بزازان گویند...» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۹۹).

۴. نتیجه

تاریخ آثار عجم در بردارنده اطلاعات و آگاهی‌های جدید و تازه‌ای از جغرافیای طبیعی و انسانی فارس، آثار و اماکن باستانی و شهرها و توابع آن، در زمانه خود است. فرصت‌الدوله به دلیل بینشی عمیق، چند زبان‌دانی، مطالعه منابع ایرانی و خارجی و همچنین بومی بودن و محاط بودن در محدوده جغرافیایی تحقیق با دقت نظر و اهتمام بیشتری به ثبت و ضبط داده‌های کتابش پرداخته است. فرصت هرچند از آنجا که شاعر، ادیب و دارای

مسئولیت‌های دولتی و حکومتی بود نتوانست از پاره‌ای از اختصاصات تاریخ‌نگاری سنتی، چون: آوردن اشعار عربی و فارسی و عدم اشاره صریح به منابع تاریخ‌نگاری در متن، دور بماند؛ ولی وی با بینشی عمیق، شیوه و سبکی روان و سلیس و روی برتافتن از تکلف و لفاظی‌های ادبی و استعانت از روش‌ها و علوم نوین در امر تاریخ‌نگاری، از جمله: روش بهره‌گیری از نقشه، دانش خط‌شناسی، ریاضی، جغرافیا، نقشه‌کشی، مساحی، تصویر و نقاشی برای ثبت و ضبط آثار، به کارگیری روش گروهی، میدانی و آماری، کاربست تحلیل در ریشه‌یابی و علت‌شناسی رویدادها و دوری از تعصب و پیشداوری، توانست از حیث بینش و روش، تاریخی محلی با ویژگی‌های نوین علمی خلق نماید و از جایگاه متمایز و برجسته‌ای در تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره قاجار برخوردار شود. فرصت‌الدوله با این ویژگی‌ها، در تاریخ‌نگاری محلی دوره قاجار و همچنین گذر از شیوه‌های تاریخ‌نگاری سنتی به تاریخ‌نگاری مدرن، نقش ممتاز و قابل توجهی داشته است.

پی‌نوشت

۱. از جمله: زهرا حامدی در مقاله «کارکردهای تاریخی و جلوه‌های تاریخ محلی کتاب تاریخ آثار عجم» و محمدرضا قلی‌زاده در مقاله «پژوهش در تحول تاریخ‌نگاری محلی فارس از سنت به تجدد؛ نگاهی به آثار عجم» که هر دو در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا انتشار یافته است. از برخی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری فرصت در تاریخ عجم سخن به میان آورده و به شکلی اجمالی به آن پرداخته‌اند. همچنین محسن کاظمی در مجله کتاب ماه هنر در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به دو اثر: آثار عجم و مهمان‌خانه بزرگ قزوین» از آشنایی فرصت با علوم نوین و همچنین جایگاه فرهنگی وی سخن به میان آورده است.

منابع

- اسدآبادی، جمال‌الدین، ۱۳۷۹، *تاریخ اجمالی ایران و تنمه‌البیان فی تاریخ‌الافغان والبیان فی الانجلیز و الافغان*، اعداد و تقویم هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروق، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی.
- آژند، یعقوب، ۱۳۸۰، *تاریخ‌نگاری در ایران*، تهران، گستره.
- امداد، حسن، ۱۳۷۲، *انجمن‌های ادبی شیراز*، تهران، ما.
- بامداد، مهدی، ۱۳۵۱، *شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری*، ج ۶، تهران، زوار.
- بهار، محمدتقی، ۲۵۳۵، *سبک‌شناسی*، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- پاکباز، رویین، ۱۳۸۶، *دائرةالمعارف هنر*، تهران، فرهنگ معاصر.
- حقدار، علی‌اصغر، ۱۳۸۷، «تاریخ‌نگاری فریدون آدمیت»، بخارا، شماره ۶۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۶۵، ص ۲۸۹-۲۸۲.
- چیت‌سازان، الهام، ۱۳۸۸، «تحقیق میدانی و روش اجرای آن»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴۳، تابستان ۸۸، ص ۴۹-۴۲.
- رحیملو، یوسف؛ سالاری‌شادی، علی، ۱۳۸۴، «سیر تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس»، دانشکده علوم و ادبیات انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۰، بهار ۸۴، ص ۱۲-۱.

- رجائی، عبدالمهدی، چلونگر، محمدعلی؛ و مرتضی نورائی، ۱۳۹۰، «تاریخ‌نگاری عصر قاجار و مؤلفه‌های آن»، تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره ۸۶/۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۲-۲۹.
- فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۳۷، دیوان فرصت، مقدمه و تصحیح و حواشی و فهرست از علی زرین قلم، تهران، کتابفروشی سیروس.
- _____ ۱۳۷۷ ش، آثار عجم، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر.
- _____ ۱۳۵۳ هـ ق، آثار عجم، بمبئی، چاپ مطبعه نادری.
- _____ ۱۳۳۳ هـ ق، دبستان الفرصه، بمبئی، مطبع سپهر.
- _____ ۱۳۲۲ هـ ق، نحو صرف خط آریا و مختصر جغرافی هندوستان، بمبئی، مطبع سپهر.
- شعاع شیرازی «شعاع الملک»، محمدحسین، ۱۳۸۰، تذکره شعاعیه، مقدمه و تصحیح: محمود طاووسی، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
- صدرهاشمی، محمد، ۱۳۶۴، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال.
- رجائی، عبدالمهدی؛ چلونگر، محمدعلی و مرتضی نورائی، ۱۳۹۰، «تاریخ‌نگاری عصر قاجار و مؤلفه‌های آن»، مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره پیاپی، ۸۶/۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۹-۵۲.
- رستمی، فاطمه، ۱۳۸۶، «شاخص‌های تاریخ‌نگاری محلی در ایران»، نامه انجمن تاریخ، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۶، ص ۶۸-۵۹.
- روزنتال، فرانتس، ۱۳۶۵، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: آستان قدس رضوی.
- رینگر، مونیکا، ام، ۱۳۸۱، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران، ققنوس.
- قاسم‌پور، صدیقه، ۱۳۹۵، «بررسی آثار مهم مورخان فارس در عصر ناصری»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره سه، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۲-۱.
- قدیمی قیداری، عباس، ۱۳۹۰، «سید جمال‌الدین اسدآبادی و رویکردهای تازه‌تر به تاریخ و تاریخ‌نویسی»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۵۲، ۱۳۹۰-۱۳۳.
- _____ ۱۳۹۲، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- _____ ۱۳۹۶، تاریخ‌نویسی در ایران: نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی)، تهران، سمت.
- قلی‌زاده، محمدرضا، ۱۳۶۲، «پژوهش در تحول تاریخ‌نگاری محلی فارس از سنت به تجدید؛ نگاهی به آثار عجم»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۴۴ و ۴۵، خرداد و تیرماه ۱۳۸۰، ص ۱۴۸-۱۴۵.
- قنوات، عبدالرحیم، ۱۳۹۳، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری)، تهران، سمت.
- کاظمی، محسن، ۱۳۸۷، «نگاهی به دو اثر: آثار عجم و مهمان‌خانه بزرگ قزوین»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۰، ص ۱۱۷-۱۱۲.

کشاوری بیضایی، محمد ۱۳۹۶. «زمینه‌های و پیامدهای مهاجرت نخبگان ایالت فارس؛ ۱۳۲۴-۱۳۱۰ ه.ق.، ۱۹۰۶-۱۷۹۵ م»، استاد راهنما: عباس قدیمی‌قیداری، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه تاریخ، رساله دکتری، شهریور ۱۳۹۶.

محبوبی اردکانی، حسین، ۲۵۳۵، مقدمه‌ای در باب آشنایی ایران با مظاهر تمدن غربی، تهران دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی، وزارت فرهنگ و هنر.

معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی، ۱۳۵۲، مکارم الآثار، در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ ه.ق، ج ۴، اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان وابسته به اداره فرهنگ و هنر استان اصفهان.

منصوربخت، قباد؛ عبادی جامخانه، رضا؛ شعبانی، رضا، ۱۳۹۷، «بررسی شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی در آثار اعتمادالسلطنه»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۵۲-۲۲۹.

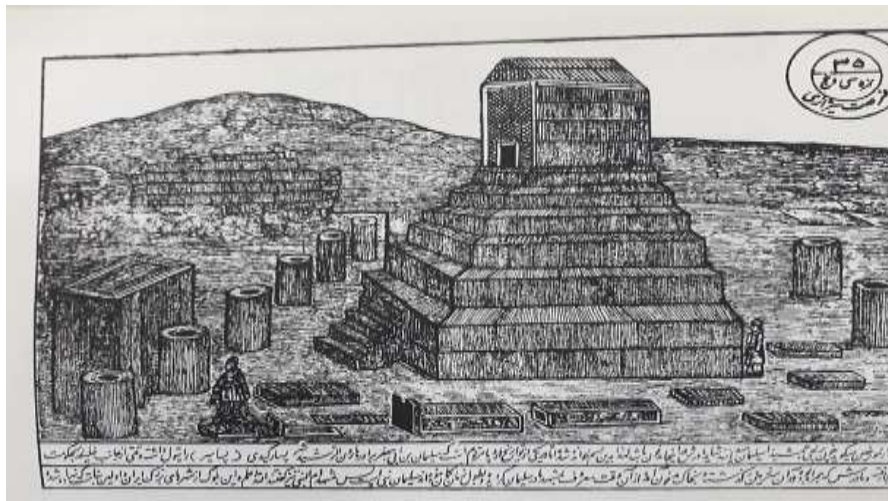
نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲، دَرّه نجفی، به تصحیح و توضیح حسین آهی، تهران، کتابفروشی فروغی. نورائی، مرتضی؛ رجائی، عبدالمهدی، ۱۳۹۰، «تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی؛ دوره تحقیق قاجار، ۱۳۴۴-۱۲۱۰ ق/۱۹۲۶-۱۷۹۶ م»، پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۵۷-۵۱.

ورهرام، غلامرضا، ۱۳۶۷، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین. هدایت، مخبرالسلطنه، ۱۳۸۵، خاطرات و خطرات، تهران، زوآر.

عکس‌ها و تصاویر



تصویر اول: تصویر صفحه اول کتاب تاریخ عجم، چاپ بمبئی، ۱۳۵۳ ق.



تصویر دوم: نقاشی آرامگاه کورش توسط فرصت‌الدوله شیرازی در آثار عجم.